



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه هفتاد و هشتم؛ سه شنبه ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ (فقه معاصر پانزدهم)

بررسی و نقد کلام سید حکیم رحمته الله علیه

خدمت ایشان عرض می‌کنیم اگر واقعاً اجماع قائم شده باشد بر اینکه مضاربه در غیر درهم و دینار باطل است، دیگر نمی‌توان به عموماتی نظیر «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۱ و «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»^۲ تمسک کرد؛ زیرا علی‌الغرض عقد مذکور عرفاً مضاربه بوده و کأنّ اجماع بیان می‌کند شارع مقدّس مضاربه به غیر درهم و دینار را باطل می‌داند، پس عمومات فوق به وسیله اجماع تخصیص خورده و لذا با تمسک به این عمومات نمی‌توان گفت عقد مذکور تحت عنوان مستقلّی صحیح می‌شود.

اما اگر فرض کنیم اجماع تمام نباشد، در این صورت گرچه در نگاه ابتدایی مانعی ندارد که بگوییم عقد مذکور تحت عنوان مضاربه صحیح بوده و احکام خاصّ مضاربه را دارد، اما چون مضاربه از عقود است، عقد مذکور نمی‌تواند مشمول عموم «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» باشد و اشکال عدم شمول «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» نسبت به آن نیز گذشت.

بنابراین مشکل مهم، همان چیزی است که صاحب ریاض رحمته الله علیه و برخی دیگر ذکر فرمودند و طبق قاعده هم هست، و آن اینکه اصل در معاملات فساد است - یعنی استصحاب عدم تحقّق نقل و انتقال - خصوصاً در مثل مضاربه که معاوضه‌ای در آن وجود ندارد و قاعده اقتضاء می‌کند اگر سودی هم باشد، برای مالک باشد؛ چراکه نماء تابع اصل است و نهایت اینکه عامل مستحقّ اجرة‌المثل باشد. بنابراین در چنین شرایطی باید بگوییم مضاربه در غیر درهم و دینار فاسد است؛ زیرا همانطور که بیان کردیم «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» یا

۱. سورة مبارکه مائدة، آیه ۱.

۲. سورة مبارکه نساء، آیه ۲۹.

«تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» شامل مضاربه مذکور نمی‌شود و حتی اگر شمول آن هم مشکوک باشد، کافی است که بگوییم اصل فساد است، مگر قدر متیقن از مضاربه که همان مضاربه بر درهم و دینار است.

بررسی احتمال دوم: مقصود عمومات باب مضاربه

آنچه گفتیم در صورتی بود که مقصود سید یزدی رحمته الله عموماتی نظیر «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» باشد. اما اگر مقصود ایشان عمومات باب مضاربه باشد، بر این کلام نیز اشکال شده است؛ از جمله سید حکیم رحمته الله در المستمسک که چنین اشکال کرده‌اند:

«لا مجال للمسك بإطلاقات المضاربة، لعدم ورودها في مقام البيان من هذه الجهة، فينبغي

الاقتصار على المتيقن من النص و الفتوى، و هو خصوص النقيدين».^۳

یعنی به عمومات و اطلاقات باب مضاربه نمی‌توان تمسک کرد؛ چراکه از این جهت در مقام بیان نیستند [که رأس المال مضاربه چه چیزی باشد] لامحاله باید أخذ به قدر متیقن کرد که همان مضاربه در خصوص درهم و دینار است.

این اشکال سید حکیم رحمته الله مهم است و برای بررسی آن باید روایات باب مضاربه را ملاحظه کنیم که آیا اطلاق یا عمومی در این جهت وجود دارد که شامل مضاربه در غیر درهم و دینار شود یا خیر؟ روایات در این زمینه خیلی نیستند و صاحب وسائل رحمته الله تقریباً تمام این روایات را - اعم از صحیح و غیر صحیح - که حدود ۸۴ روایت است، ذکر کرده است. و اگر کسی به مستدرک رجوع کند شاید چند روایت هم در آنجا باشد که لعل سند آنها تمام نباشد و یا مطلب جدیدی غیر آنچه صاحب وسائل رحمته الله جمع کرده، نداشته باشند. اصولاً در باب معاملات روایات کم است؛ برخلاف عبادات که چون تأسیسی هستند، زیاد مورد سؤال قرار گرفته‌اند.

به هر حال در بین روایاتی که صاحب وسائل رحمته الله ذکر کرده، باید ببینیم آیا روایتی وجود دارد که عموم یا اطلاقی داشته باشد به نحوی که شامل مضاربه به غیر درهم و دینار هم شود یا خیر؟ اگر عموم یا اطلاقی وجود داشت، کافی برای حکم به صحت است بعد از اینکه در اجماع مذکور مناقشه کردیم.

۳. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۲، ص ۲۴۲.

بررسی بعضی روایات باب مضاربه

۱. صحیحۀ محمد بن مسلم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُعْطَى الْمَالَ مُضَارَبَةً وَيُنْهَى أَنْ يَخْرُجَ بِهِ فَخَرَجَ قَالَ يَضْمَنُ الْمَالَ وَالرَّيْحُ بَيْنَهُمَا.

وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ مِثْلَهُ.^۴

این روایت از لحاظ سند صحیحہ می‌باشد.

محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام سؤال کردم در مورد مردی که مالی به عنوان مضاربه به او داده می‌شود و نهی می‌شود که با آن مال از شهر خارج شود، اما از شهر خارج می‌شود. حضرت فرمودند: [عامل] ضامن مال است و سود بین آن دو است.

ممکن است گفته شود این صحیحہ بیان می‌کند «يُعْطَى الْمَالَ مُضَارَبَةً» و «مال» اعم از این است که نقدین یعنی درهم و دینار باشد یا غیر آن از پول‌های دیگر مانند فلوس یا اسکناس امروزی و بلکه شامل غیر پول یعنی عروض هم می‌شود، مانند اینکه کسی یک مشت طلا به دیگری بدهد و به او بگوید با اینها مضاربه کن. و از این جهت صحیحۀ محمد بن مسلم اطلاق دارد.

اما حقیقت آن است که اشکال سید حکیم رحمته الله در اینجا وارد است و روایت از این جهت در مقام بیان نیست [که رأس المال مضاربه چگونه باید باشد]. چراکه مقصود از عبارت «يُعْطَى الْمَالَ مُضَارَبَةً»، همان مضاربه معهود است، اما اینکه مضاربه معهود چیست، روایت در مقام بیان نیست، بلکه سؤال راوی از این حیث بوده که «يُنْهَى أَنْ يَخْرُجَ بِهِ فَخَرَجَ» و حضرت هم از این حیث جواب دادند. پس این صحیحہ واقعاً اطلاقی در جهت مورد بحث ندارد.

۲. صحیحۀ حلبی:

و [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الْمَالَ فَيَقُولُ لَهُ: أَنْتَ أَرْضَ كَذَا وَكَذَا وَ لَنَا تَجَاوِزَهَا وَ اشْتَرِ مِنْهَا قَالَ: فَإِنْ جَاوَزَهَا وَ هَلَكَ الْمَالُ فَهُوَ ضَامِنٌ وَ إِنْ اشْتَرَى مَتَاعاً فَوُضِعَ فِيهِ فَهُوَ عَلَيْهِ وَ إِنْ

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۹، کتاب المضاربة، باب ۱، ح ۱، ص ۱۵ و الکافی، ج ۵، ص ۲۴۰.

رَبِحَ فَهُوَ بَيْنَهُمَا.

وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ
أَبَانَ وَيَحْيَى عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنِ الْحَلْبِيِّ مِثْلَهُ.^٥

عبد الله بن علی الحلبي از امام صادق عليه السلام نقل می کند در مورد مردی که مالی به او داده می شود و به او گفته می شود فلان جا و فلان جا برو و از آنها تجاوز نکن و در آنها خرید و فروش کن، حضرت فرمودند: اگر از آنجا فراتر رود و مال هلاک شود، ضامن است و اگر متاعی بخرد که ضرر کند، خسارت بر عهده اوست و اگر سود کند، بین آن دو تقسیم می شود.

دلالت این صحیحہ نیز نظیر صحیحہ سابق است؛ یعنی ممکن است گفته شود عبارت «يُعْطَى الْمَالُ» اطلاق دارد و شامل هر مالی ولو غیر درهم و دینار و حتی شامل عروض فضلاً از اسکناس و فلوس هم می شود. اما الجواب الجواب که روایت از حیث اینکه مال مضاربه چه باشد در مقام بیان نیست، بلکه سؤال راوی از این جهت است که آیا تخلف شرط موجب ضمان می شود یا خیر، که حضرت می فرمایند ضمان می آورد. بنابراین به اطلاق این صحیحہ نیز نمی توان تمسک کرد.

٣. صحیحہ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ:

و[مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَعْمَلُ بِالْمَالِ مُضَارَبَةً
قَالَ: لَهُ الرِّبْحُ وَلاَ لَيْسَ عَلَيْهِ مِنَ الْوَضِيعَةِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يُخَالَفَ عَنْ شَيْءٍ مِمَّا أَمَرَ صَاحِبُ الْمَالِ.^٦

این روایت را جناب کلینی رحمته الله از ابی علی الاشعری یعنی احمد بن ادریس ثقة نقل می کند. محمد بن عبد الجبار ثقة است. محمد بن اسماعیل هم در اینجا به قرینۀ مروی عنه - یعنی علی بن النعمان - محمد بن اسماعیل بن بزیع ثقة، صاحب الرضا عليه السلام است. علی بن نعمان ثقة است و یکی از عناوینی که برای ایشان در رجال ذکر شده «الأعلم»^٧ است. ایشان انسان فوق العاده ای بوده «كان علي ثقة، وجهاً، ثباً، صحيحاً، واضح

٥. همان، ح ٢ و الکافی، ج ٥، ص ٢٤٠.

٦. همان، ح ٣، ص ١٦ و الکافی، ج ٥، ص ٢٤١.

٧. رجال النجاشي، ص ٢٧٤.

علي بن النعمان الأعلم النخعي أبو الحسن مولاہم، کوفی، روی عن الرضا عليه السلام، و أخوه داود أعلا منه، و ابنه الحسن بن علي و ابنه أحمد رویا الحديث. و كان علي ثقة، وجهاً، ثباً، صحيحاً، واضح الطريقة. له كتاب يرويه جماعة، أخبرنا علي بن أحمد بن محمد قال: حدثنا محمد بن الحسن قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار و عبد الله بن جعفر و سعد قالوا: حدثنا ابن أبي الخطاب، عن علي بن النعمان بكتابه.

الطريقة» و خودش و برادرش در عداد وزراء بودند و وصیت کرده بود کتاب‌هایش به محمد بن اسماعیل بن بزیع داده شود. أبی الصباح الکنانی نیز ثقة است. بنابراین روایت از لحاظ سند صحیح می‌باشد.

أبی الصباح الکنانی نقل می‌کند امام صادق علیه السلام در مورد مردی که با مال مضاربه می‌کند فرمودند: ربح برای اوست و چیزی از ضرر بر عهده او نیست، مگر اینکه با چیزی از اوامر صاحب مال مخالفت کرده باشد.

دلالت این صحیح در جهت مورد بحث، بهتر از دو صحیح قبل است؛ چراکه راوی می‌گوید: «الرَّجُلُ يَعْمَلُ بِالْمَالِ مُضَارَبَةً»؛ یعنی فرد به مضاربه عمل می‌کند، و چیز دیگری در سؤال نیامده است و حضرت هم در جواب می‌فرمایند: «لَهُ الرَّيْحُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ مِنَ الْوَضِيعَةِ شَيْءٌ»، لذا می‌توان گفت روایت اطلاق دارد.

اما ظاهراً در این اطلاق نیز می‌توان مناقشه کرد که نظر سائل به عامل است از حیث اینکه چه چیزی نصیبش می‌شود و چگونه باید عمل کند، ولی نظر به مالک و نیز نظر به ذات مضاربه ندارد که بر چه چیزی می‌توان مضاربه انجام داد.

۴. صحیح حلبی:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ وَ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمَالُ الَّذِي يَعْمَلُ بِهِ مُضَارَبَةً لَهُ مِنَ الرَّيْحِ وَلَيْسَ عَلَيْهِ مِنَ الْوَضِيعَةِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يُخَالَفَ أَمْرَ صَاحِبِ الْمَالِ.^۸

عبد الله بن علی الحلبي^۹ از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: مالی که با آن مضاربه می‌شود، برای عامل از سود مضاربه است و چیزی از ضرر بر عهده او نیست، مگر اینکه با امر صاحب مال مخالفت کرده باشد.

شیخ طوسی رحمته الله این روایت را با سند خود از احمد بن محمد نقل می‌کند که ظاهراً مقصود احمد بن محمد بن عیسی ثقة است که سند شیخ رحمته الله به ایشان را قبلاً به نحوی تصحیح کردیم. محمد بن عیسی هم مقصود ابن عبید یقطینی است؛ نه پدر احمد بن محمد بن عیسی.^{۱۰} بعضی گفته‌اند ایشان ضعیف هستند؛

۸. همان، ح ۱۶ و تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۸۷.

۹. عبدالله بن علی الحلبي ساکن مدینه بوده است و از این جهت به حلبی مشهور شده که برای تجارت به حلب رفت و آمد می‌کرد و چون شغلش تجارت بود، مسائل تجاری را خیلی از حضرت سؤال می‌کرد. حلبیون یا همان آل ابی شعبه، همه ثقة هستند.

۱۰. احمد بن محمد بن عیسی بزرگ قم و مرجع زمانش بوده و در ترجمه ایشان آمده است: «شیخ القمیین و وجههم و فقیههم غیر مدافع و کان أيضاً الرئيس الذي يلتقي السلطان بها و لقي الرضا عليه السلام». ایشان شخصیت‌هایی مانند سهل بن زیاد و احمد بن محمد بن خالد را به خاطر نقل از ضعفاء از قم بیرون کرده بود و بعداً پشیمان شده بود. به هرحال ایشان مرجع مبسوط الیدی بودند که رتق و فتق چنین اموری دستشان بود. پدر

چراکه ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه ایشان را از رجال نوادر/الحکمة استثناء کرده است. اما ما قبلاً بحث مفصلی را در چندین جا انجام دادیم و گفتیم ایشان ثقة است. ابن ابی عمیر و ابان بن عثمان هم ثقة هستند. ابی‌المغراء یا همان حمید بن مثنی نیز ثقة است. حلبی هم که گفتیم «آل ابی شعبة الحلبي كلهم ثقات».

ایشان، محمد بن عیسی الأشعری است که به نحو صریح و با لفظ «ثقة» توثیق نشده است، منتها در حق ایشان وارد شده «وجه الأشاعرة»^{**} که قبلاً گفتیم همین مقدار کافی برای توثیق ایشان است؛ چراکه در بین اشعریون، ثقات زیادی هستند و ایشان وجه اشاعره هستند.

✽ رجال النجاشي، ص ۸۱:

أحمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الأخوص بن السائب بن مالك بن عامر الأشعري. من بني ذخران بن عوف بن الجماهر بن الأشعر يكنى أبا جعفر، و أول من سكن قم من آبائه سعد بن مالك بن الأخوص. و كان السائب بن مالك وفد إلى النبي صلى الله عليه و آله و أسلم، و هاجر إلى الكوفة، و أقام بها. و ذكر بعض أصحاب النسب: أن في أنساب الأشاعرة أحمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالك بن هاني بن عامر بن أبي عامر الأشعري، و اسمه عبيد، و أبو عامر له صحبة ...

قال الكشي عن نصر بن الصباح: ما كان أحمد بن محمد بن عیسی يروي عن ابن محبوب، من أجل أن أصحابنا يتهمون ابن محبوب في أبي حمزة الثمالي، ثم تاب و رجع عن هذا القول. قال ابن نوح: و ما روى أحمد عن ابن المغيرة و لا عن الحسن بن خرزاذ. و أبو جعفر رحمه الله شيخ القميين، و وجههم، و فقيهم، غير مدافع. و كان أيضا الرئيس الذي يلقي السلطان بها، و لقي الرضا عليه السلام. و له كتب و لقي أبا جعفر الثاني عليه السلام و أبا الحسن العسكري عليه السلام، فمنها: كتاب التوحيد، كتاب فضل النبي صلى الله عليه و آله، كتاب المتعة، كتاب النوادر، - و كان غير محبوب فبويه داود بن كورة، - كتاب الناسخ و المنسوخ، كتاب الأظلة، كتاب المسوخ، كتاب فضائل العرب، قال ابن نوح: و رأيت له عند الديلمي كتابا في الحج. أخبرنا بكتبه الشيخ أبو عبد الله الحسين بن عبيد الله و أبو عبد الله بن شاذان قالوا: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا سعد بن عبد الله عنه بها، و قال لي أبو العباس أحمد بن علي بن نوح: أخبرنا بها أبو الحسن بن داود عن محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم و محمد بن يحيى و علي بن موسى بن جعفر و داود بن كورة و أحمد بن إدريس عن أحمد بن محمد بن عیسی بكتبه.

✓ الفهرست (للشيخ الطوسي)، ص ۲۵:

أحمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الأخوص بن السائب بن مالك بن عامر الأشعري من بني ذخران بن عوف بن الجماهر بن الأشعث يكنى أبا جعفر القمي، و أول من سكن قم من آبائه سعد بن مالك بن الأخوص، و كان السائب بن مالك وفد علي [إلى النبي صلى الله عليه و آله و أسلم و هاجر إلى الكوفة و أقام بها و أبو جعفر شيخ قم و وجهها و فقيها غير مدافع، و كان أيضا الرئيس الذي يلقي السلطان بها و لقي أبا الحسن الرضا عليه السلام، و صنف كتبها منها، كتاب التوحيد، كتاب فضل النبي صلى الله عليه و آله، كتاب المتعة، كتاب النوادر، و كان غير محبوب فبويه داود بن كورة، كتاب الناسخ و المنسوخ، أخبرنا بجميع كتبه و رواياته عدة من أصحابنا منهم الحسين بن عبيد الله و ابن أبي جيد عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار عن أبيه و سعد بن عبد الله عنه، و أخبرنا عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفار و سعد جميعا عن أحمد بن محمد بن عیسی، و روى ابن الوليد المبوبة عن محمد بن يحيى و الحسن بن محمد بن إسماعيل عن أحمد بن محمد.

✓ رجال الشيخ الطوسي، ص ۳۵۱:

أحمد بن محمد بن عیسی الأشعري القمي، ثقة، له كتب.

✽ رجال النجاشي، ص ۳۳۸:

محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالك الأشعري أبو علي، شيخ القميين، و وجه الأشاعرة، متقدم عند السلطان. و دخل على الرضا عليه السلام و سمع منه، و روى عن أبي جعفر الثاني عليه السلام. له كتاب الخطب. قال أحمد بن محمد بن عبيد الله: حدثنا محمد بن أحمد بن مصقلة قال: حدثنا سعد بن عبد الله قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عیسی.

بنابراین روایت از لحاظ سند صحیح می‌باشد.

این صحیح نیز دلالت بر مطلب ندارد؛ چراکه فقط از حیث عامل در مقام بیان است که ربح به او می‌رسد اما چیزی از وضعیه بر عهده او نیست.

۵. صحیح دیگر حلبی:

و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ^{۱۱} عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الرَّجُلَ مَالًا مُضَارَبَةً فَيُخَالِفُ مَا شَرَطَ عَلَيْهِ قَالَ: هُوَ ضَامِنٌ وَ
الرَّيْحُ بَيْنَهُمَا.^{۱۲}

عبد الله بن علی الحلبي نقل می‌کند امام صادق عليه السلام در مورد مردی که مالی به عنوان مضاربه به او داده می‌شود و با آنچه شرط شده مخالفت می‌کند فرمودند: عامل ضامن است و سود بین هر دو است.
وجه استدلال به این روایت نیز مانند روایات سابق است و گفته‌اند عبارت «مَالًا مُضَارَبَةً» اطلاق دارد و شامل غیر درهم و دینار نیز می‌شود.

جواب این استدلال نیز از ماسبق روشن می‌شود که روایت از حیث اینکه عامل چه مقدار سود می‌برد و اینکه آیا ضامن می‌باشد یا خیر در مقام بیان است، اما اینکه بر چه مالی می‌توان مضاربه انجام داد در مقام بیان نیست.

روایت ششم را چون سندش محلّ کلام است نمی‌خوانیم و مقصودش هم نظیر روایات سابق است.
روایت هفتم نیز چنین است یعنی از حیث اینکه عامل چه مقدار سود می‌برد و آیا وضعیه بر او هست یا نه، در مقام بیان است. سایر روایات باب نیز چنین هستند و دیگر لازم به ذکر نیستند و سراغ ابواب دیگر

۱۱. تهذیب/الأحكام، المشیخة، ص ۶۳:

و ما ذكرته في هذا الكتاب عن الحسين بن سعيد فقد اخبرني به الشيخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيد الله و احمد بن عبدون كلهم عن احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن ابيه محمد بن الحسن بن الوليد و اخبرني به أيضا ابو الحسين ابي جعفر القمي عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الحسين بن الحسن بن ابان عن الحسين بن سعيد.

و رواه أيضا محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد بن الحسين بن سعيد.

✓ صاحبان جوامع اولیه شیعه (کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و الاستبصار) هر سه نفر به اسم محمد هستند (محمد بن یعقوب کلینی، محمد بن علی بن بابویه، محمد بن الحسن الطوسی). همچنین صاحب جوامع ثانویه شیعه هم نامشان محمد است؛ مرحوم فیض صاحب وافی، نامش محمد است هرچند به ملا محسن معروف است؛ محمد تقی مجلسی صاحب بحار الانوار؛ محمد بن الحسن حر العاملی صاحب وسائل الشیعة.

۱۲. وسائل الشیعة، ج ۱۹، کتاب المضاربة، باب ۱، ح ۵، ص ۱۶ و تهذیب/الاحکام، ج ۷، ص ۱۹۰.

می‌رویم. باب دوم هم ربطی به بحث ما ندارد و از حیث اینکه مال مضاربه چگونه باید باشد در مقام بیان نیست. اما در باب سوم چند روایت وجود دارد که می‌توان به عموم یا اطلاق بعض آنها تمسک کرد.

والحمد لله ربّ العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی

استخراج منابع: محمد علی تبار